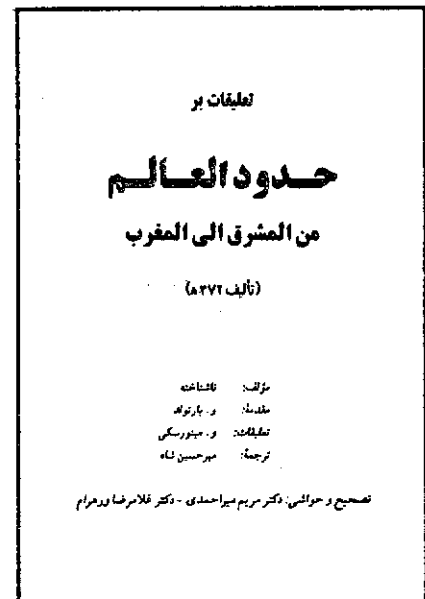


کتاب حدود العالم از مهمترین و نخستین کتب جغرافیایی به زبان فارسی است که در نیمه دوم قرن چهارم هجری توسط نویسنده‌ای ناشناخته برای یکی از امرای آل فریغون نوشته شده است و حاوی اطلاعات جغرافیایی گرانبهایی درباره نواحی مسکون و شناخته شده دنیای آن عصر است. بارتولد دانشمند روسی داستان کشف این کتاب را با توضیحات مفید در مقدمه‌ای که همراه با متن دست نویس کتاب به سال ۱۹۳۰م در لنینگراد عیناً عکس برداری و منتشر شد، شرح داده است. پس از آن سید جلال الدین تهرانی متن حدود العالم را در تهران به چاپ رسانید (۱۳۱۲ش) و چند سال بعد استاد مینورسکی ترجمه انگلیسی حدود العالم و مقدمه بارتولد را با توضیحات و حواشی محققانه خود در انگلستان منتشر کرد (۱۹۳۷م). سالها پس از او نیز منوچهر ستوده متن فارسی کتاب را با تصحیحات نوین بدون حواشی مینورسکی در تهران به طبع رسانید (چاپ اول ۱۳۴۰ش) و دو سال پس از او میرحسین شاه از استادان دانشگاه کابل نیز متن کتاب را با منتخبی از مقدمه های بارتولد و مینورسکی و حواشی دانشمند اخیر به فارسی منتشر کرد (کابل ۱۳۴۲ش). آخرین چاپ انگلیسی کتاب توسط کلیفورد ادموند با سورث با درج یادداشتها و تحقیقات بعدی استاد مینورسکی درباره مطالب حدود العالم که تا اواخر عمر بدان اشتغال داشت در لندن منتشر شد (چاپ اول ۱۹۷۰، چاپ دوم ۱۹۸۲م). آخرین چاپ متن فارسی حدود العالم با حواشی مینورسکی و گزیده‌ای از ترجمه مقدمه او و بارتولد همین کتابی است که در سطور زیر اجمالاً به بررسی و مقایسه آن با متن انگلیسی (ویرایش با سورث



## تصحیح یا تزییح!

سید صادق سجادی

تعلیقات بر حدود العالم من المشرق الى المغرب با مقدمه و. بارتولد، و. مینورسکی، تعلیقات: و. مینورسکی، تصحیح و حواشی: دکتر مریم میراحمدی، دکتر غلامرضا وهرام، تهران، دانشگاه الزهراء (س)، ۱۳۷۲، وزیری.

ظاهرأ مصححان به این نتیجه رسیده‌اند که مبحث ضمیر و کاربرد آن در دستور زبان فارسی اساساً زاید است. در جمله زیر گویا از سه تن متمایز از هم به نام مینورسکی یاد شده است.

صفحه هفت: «... چندین سال بعد مینورسکی محقق مشهور را بر آن داشت که برای استفاده بیشتر دانش پژوهان در سراسر جهان تفسیر مفصلی بر آن بنویسد که در زمان حیات مینورسکی و در سال ۱۹۳۷ م ترجمه متن حدود العالم به انگلیسی (این همان ترجمه‌ای است که مصححان از آن برای تصحیح حدود العالم استفاده کرده‌اند) همراه با استنادات و تعلیقات مینورسکی... به چاپ رسید.

از جمله افادات مصححان در مباحث دستور زبان فارسی: صفحه نه: «در مبحث دستور زبان مینورسکی توضیحات ارزشمندی درباره اسامی، افعال، پیشوند و برخی ادات و حروف (۱) و سرانجام نحو اعم از جمله بندی، تعبیرات و به کارگیری علائم جمع و مفرد (۱) و اصطلاحات لغوی (۱) و واژه‌های به کار رفته در حدود العالم ارائه می‌دهد... در این بخش مینورسکی کوشش کرده که با تطبیق منابع همعصر (یعنی معاصر حدود العالم) خواندن صحیح هریک از واژه‌ها را ارائه دهد» (یعنی ضبط درست اعلام جغرافیایی را بیابد).

نمونه‌های دیگری از حسن تألیف و ترکیب:

صفحه نه: «در سنوات ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۶ که پرفسور مینورسکی در ۲۵ مارس ۱۹۶۶ وفات می‌کند یادداشت‌های دیگری به توضیحات مذکور در فوق به وسیله مینورسکی اضافه می‌شود.»

صفحه چهارده: «مصححان کتاب حاضر (ان شاء الله غلط چاپی است) نظر به اهمیت تعلیقات مینورسکی به یکی از قدیمیترین نثر فارسی (۱) و نیز حفظ ارزشهای علمی... قصد خود را مبنی بر انتشار فارسی (۱) این تعلیقات به اطلاع پرفسور باسورث رساندند.»

### پیشگفتار مینورسکی

متن انگلیسی حدود العالم و ترجمه فارسی میرحسین شاه از همین جا آغاز شده و مصححان ایرانی کتاب حاضر از همین موضع، چاپ میرحسین شاه را با توجه به چاپ انگلیسی کتاب تصحیح کرده‌اند. تنها سه صفحه را بررسی می‌کنیم:

صفحه هفده: «کتاب جغرافیایی حدود العالم من المشرق الی المغرب به امیر گوزگانان به نام ابوالحارث

۱۹۸۲ م) و ترجمه و چاپ میرحسین شاه می‌پردازیم.

مصححان چاپ حاضر چنانکه در مقدمه متذکر شده‌اند نخست بر آن بوده‌اند تا تصحیحات و حیواشی خود را در ترجمه میرحسین شاه وارد کرده، همان را منتشر کنند. اما به کارگیری لغات متداول فارسی دری، استعمال افعال بویژه به صورت حالات مصدری برای زمانهای گذشته که در فارسی امروزی ایران متداول نیست، و همچنین توصیه پرفسور باسورث مبنی بر اسانس قرار دادن ویرایش ایشان در چاپ ۱۹۷۰ و ۱۹۸۲، چهارچوب کار مصححان را تغییر داد و به همین سبک هر دو متن یعنی چاپ کابل و لندن به مثابه نسخه اساس قرار گرفت و متن فارسی دری آن با کمک متن انگلیسی آن تصحیح شد... در این راستا بهترین راهنما همان کتاب مینورسکی و ترجمه و توضیحات خود وی بود» (صفحه یازده و دوازده مقدمه مصححان).

بنابراین لغات متداول فارسی دری و استعمال افعال در ترجمه میرحسین شاه برای ایرانیان امروز چنان نامأنوس بوده که مصححان دانشمند نه تنها تغییر و تصحیح آن را بر خود فرض دانسته، بلکه «متن فارسی دری آن را با متن انگلیسی» تصحیح کرده و برای این کار از ترجمه مینورسکی (لابد ترجمه متن حدود العالم به انگلیسی) استفاده برده‌اند و حقاً هم در طرد لغات متداول فارسی دری و تصحیح کاربرد افعال و تکمیل حواشی و تصحیح ترجمه میرحسین شاه توفیقی به کمال یافته‌اند. نخست نمونه‌هایی از فصاحت و دقت مصححان را در مقدمه ایشان ببینید:

صفحه پنج: «تجزیه و تحلیل متن حدود العالم نه فقط اهمیت جغرافیایی تاریخی آن را مشخص می‌کند (گویا حدود العالم موضعی است چون ری و قزوین که جغرافیای تاریخی آن مهم است! بگذریم از اینکه حدود العالم جغرافیای تاریخی نیست) بلکه دیگر زمینه‌های علمی این اثر هم روشن می‌شود (یعنی دیگر زمینه‌های علمی این اثر را هم روشن می‌کند!).»

چون کاربرد افعال در چاپ میرحسین شاه درست نبوده، مصححان کتاب حاضر نه تنها افعال را در جای خود به کار برده‌اند بلکه نمونه‌ای از نثر روان فارسی هم به دست داده‌اند. صفحه شش: «نام این کتاب بدین سبب حدود العالم من المشرق الی المغرب است که مؤلف حدود و سرحدات سرزمینهای موجود و جهان عالم (کذا) را به ترتیب از جهت مشرق شروع می‌کند و دیگر جهات شمال، مغرب و جنوب را پس از آن آورده است.»

محمد بن احمد تقدیم شد که رهبری سلسله محلی فریغونیان در گوزگانان (ناحیه شمالی افغانستان کنونی) را برعهده داشت.

ترجمه متن انگلیسی چنین است: کتاب حدود العالم به امیر ابوالحارث محمد بن احمد از خاندان محلی فریغونیان که در گوزگانان حکم می‌راندند، تقدیم شد. در همان صفحه عبارت «نسخه مکشوفه»، در متن انگلیسی وجود ندارد.

در همان صفحه عبارت «صاحبها کاتبها» (با ضمیر مؤنث) غلط است. در متن انگلیسی و ترجمه میرحسین شاه به درستی «صاحب کاتبه» آمده است.

حواشی این صفحه در متن انگلیسی ترجمه نشده است. متن انگلیسی:

...Hudúd al-'Álam, i.e. "The Regions of the World",

2 Was compiled in 372/982-3 and dedicated to the Amir Abul-Háarith Muhammad b. Ahmad, of the local Farighúnid dynasty which ruled in Gúzgánán.

The same half-erased name appears on the title-page: sáhibuhu3 kátibuhu al-'abd al-mudhniib al-muhtáj ilá rahmati' lláhi ta 'álá Abul-Mu... 'Abd al-...úm ibn...yn ibn 'Ali al-Fárisi....

صفحه هیجده: «کتاب حدود العالم بخشی از یک مجموعه است و فقط همین بخش از مجموعه اندازه ۲۸×۱۸ سانتی متر را دارد.» متن انگلیسی و ترجمه درست میرحسین شاه: حدود العالم بخشی از یک مجموعه را تشکیل می‌دهد که همه اوراق آن به همان اندازه (۲۸×۱۸) است:

The Hudúd al-'Álam forms only one part of a bound volume of which all the folios are of the same size (28\*18cm.). It contains:

در همان صفحه عبارت «وقع الفراغ من تحریری يوم الجمعة لیل سادس و العشرین» غلط است.

در متن انگلیسی و ترجمه میرحسین شاه: وقع الفراغ من تحریره ... است. کلمه «العشرین» در چاپ حاضر باید غلط چاپی باشد. حواشی این صفحه نیز ترجمه نشده است:

waqa'a al-firāgh min tahririhī yaum al-jum'a lil-sádis wal-'ishrin min jum'adá al-úlá sana thamáni wa khamáni wa sitta-mi'a ala yadi.

اغلاط فاحش زیر بی‌نیاز از هر توضیحی است: صفحه نوزده: «کاپیتان ا. ج. تومانسکی (بعدها میجر جنرال) در سال ۱۸۹۰ م (۱۳۰۸ ق) در عشق‌آباد با یکی از

بهائیان ملاقاتی داشت. بعدها وی آثار آنان را مطالعه کرد و سرانجام نیز به گروهی از آنان که در سرزمین‌های ماوراء خزر متمرکز بودند، یاری داد تا اولین معبد خود به نام مشرقی الاذکار را در عشق‌آباد بنا کنند.»

متن انگلیسی: تومانسکی بهایی‌ها را که اولین بار در ۱۸۹۰ در عشق‌آباد با آنها آشنا شد، بسیار دوست می‌داشت. او مشتاقانه کتب مذهبی آنها را می‌خواند و خدمات برجسته‌ای برای مهاجرنشین بهایی‌ها که در ایالت ماوراء خزر روسیه بنیاد شده بود انجام داد. مثلاً در همان ایام بود که اولین معبد دین نو (مشرق الاذکار) در عشق‌آباد تأسیس شد:

Captain (later Major-General) A. G.

Toumansky, was a great friend of the Bahá'is whom he first met in Askhabad in 1890. He eagerly studied their religious literature<sup>4</sup> and rendered some signal services to the thriving Bahá'í colony established in the Russian Transcaspian province, for example at the time when the first temple of the new religion (mashriq al-adhkár) was being built in Askhabad.

همان صفحه: «احتمالاً تومانسکی از استاد خود بارون فن روزن و یا از بارتولد شنیده بود که وی در شروع دوران فعالیت علمی خود به اثر گمشده الغ بیک یعنی ادلوس اربعه توجه دارد و برای دستیابی بدان از طریق دوستان ایرانی خود کوشش می‌کند.»

متن انگلیسی: گویا تومانسکی از طریق استاد خود بارون فن روزن یا بارتولد که در آن وقت در آغاز فعالیت علمی خویش قرار داشت از اهمیت اثر گمشده الوس اربعه الغ بیک مطلع شده بود و بنابراین از طریق دوستان ایرانی خود به جستجو برای یافتن آن پرداخت:

Probably through Baron V. Rosen, who was his teacher, or through Barthold, who then was at the beginning of his scientific career, Toumansky heard of the interest of Ulugh-beg's lost work Ulús-i arba'a and made a search for it through his Persian friends.

همان صفحه: «اهمیت بازار بخارا برای خرید

almost exclusively in Arabic, is known to us not only by their original works that have reached us, by references to the books that have disappeared, and by quotations from them, but also through bibliographical surveys, of which the necessity was felt even then. Only five years after the date of the treatise preserved in the Toumanský MS., al-Nadim composed his Fihrist; from this work and from later bibliographical compilations<sup>3</sup>.

صفحه ۳: «مقاله ای که تومانسکی درباره گوزگان (جوزجان) و خازان فریغون نوشته است، بخش مهمی از جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله را بازگو می کند. این بخش مانند دیگر بخشهای این اثر - از ترجمه فارسی یمینی اخذ شده است. ترجمه فارسی تاریخ یمینی به وسیله ابوالشرف جرفادقانی صورت گرفته است.»

متن انگلیسی: مقاله تومانسکی درباره گوزگان و فریغونیان، فقط بخشی از جامع التواریخ رشیدالدین است که مانند بقیه آن نسخه برداری ادبی است از ترجمه فارسی تاریخ عتبی که توسط ابوالشرف جرباذقانی صورت گرفته است:

On Gúzgán and the Farighúnids Toumanský's article<sup>2</sup> gives only a fragment from Rashid al-din's fámi' al-tawárikh, almost literally copied, as is the whole of the corresponding part of this work, from 'Utbi's history in its Persian translation by Abul-Sharaf Jarbádhagáni.<sup>3</sup>

صفحه ۵: «مؤلف ما بین حکمرانان اطراف قلمرو سامانیان، برای شهریاران گوزگان مقام اول را قائل است. این مقام نه تنها به دلایل اقتصاد خوب آنهاست، بلکه علاقه و توجه آن شهریاران به علم و ادب نیز دلیل این مقام است.»

در متن انگلیسی از اقتصاد گوزگان سخنی نیست بلکه از اهمیت سیاسی ایشان Political Importance یاد شده است. نیز در متن انگلیسی از علاقه ایشان به ادب یاد نشده است.

همان صفحه: «در آن ایام دامنه گسترش شهریاران گوزگان در جانب شمالی تا آمودریا کشیده شده بود و در جهت جنوب نیز قدرت آنان را حکمرانان ایالت کوهستانی غور و غرجستان پذیرفته بودند... در قسمت مرغاب علیا، گوزگان با شهر بُست (در کنار هلمند [هیلمند] سرحدی مشترك داشت.»

در جمله اول مراد از «دامنه گسترش شهریاران گوزگان» باید گسترش قلمرو یا قدرت ایشان باشد.

در متن انگلیسی به جای «حکمرانان ایالت کوهستانی»،

نسخه های خطی کمیاب کاملاً مسلم است و به همین سبب آکادمی روسیه هیأت مخصوصی را برای خرید نسخه های خطی در سال ۱۹۰۰ میلادی به آنجا گسیل داشت.»

متن انگلیسی: اهمیت بخارا به عنوان بازار نسخ خطی کمیاب فقط پس از سال ۱۹۰۰ که هیأت های ویژه ای از طرف آکادمی روسیه بدانجا فرستاده شد، معلوم گردید؛ گرچه پیش از آن هم بخارا به عنوان یکی از مراکز مسلمانان جالب توجه بود:

The

importance of Bukhárá as a market for rare manuscripts when special trips were fully realized only after 1900 expeditions were sent there by the Russian Academy, yet even before that time it was natural to turn one's attention towards that Muslim centre.

#### مقدمه بارتولد

صفحه اول: «دانشمندان قرون نخستین اسلامی اغلب آثار خود را به زبان عربی نوشته اند. به طور کلی اطلاعی که ما از فعالیت های علمی آنان داریم یا از طریق آثاری است که از آنها مستقیماً برجای مانده یا به وسیله ذکر نام آثار آنان در متون قدیمی و کتابهاست و یا از طریق نقل قولهایی است که از نوشته های آنان به عمل آمده است. علاوه بر آن بررسی و دقت در منابع کتب قدیمی، گاه راهنمای خوبی برای دستیابی به آثار گذشتگان است. ضرورت این دقت و تعمق حتی در گذشته های دور نیز محسوس بوده است.»

متن انگلیسی: اطلاع ما از فعالیت علمی دانشمندان اوایل اسلام - که بیشتر به زبان عربی می نوشته اند - نه فقط از آثار اصلی خود آنان که به ما رسیده، بلکه از طریق ذکر نام کتابهایی که از میان رفته و نیز نقل قولهایی که از آن کتابها شده به دست می دهد. افزون بر آن بررسی کتابشناسیها که حتی از همان ایام نیز ضرورت آن احساس می شده ما را در این راه یاری می رساند.

در جمله بعد نیز چند دخل و تصرف شده است: مثلاً الندیم به ابن ندیم، و تکمله های کتابشناسی به آثار شبیهه به الفهرست (!) تبدیل شده است:

The activity of the early Islamic scholars, who wrote

در حواشی میان [ ] پراکنده اند، در اینجا متذکر می شدند که این خرده گیری بر دایرة المعارف اسلام چاپ اول وارد است و در چاپ دوم مقاله ممتعی ذیل جغرافیا آمده است. متن انگلیسی:

The history of Arabian geographical science has been very insufficiently investigated.<sup>4</sup> In the Encyclopaedia of Islam, which is P7 not quite consistent in the choice of the catch- words (cf. Adab, al-Djabr, on the one hand, and the other Astrology, Astronomy), where we might have expected to find an article on this subject, nothing is to be found either under Djaghráfiyá, or Geography.

#### توضیحات و حواشی مینورسکی

در این بخش اغلاط فاحش در ترجمه و دخل و تصرفات بیجا از جانب مصححان بی آنکه نشانه ای برای تمییز حواشی خود از توضیحات با سورث و بویل اختصاص دهند، بسیار است. به چند نمونه اشاره می شود:

صفحه ۶۵: «کتاب یمینی تألیف عتبی که متن عربی آن یک بار به کوشش نمینی در قاهره در سال ۱۲۸۵ ق / ۱۸۶۵ م به چاپ رسیده است (۱) ...»

بی گمان هر دانشجوی تازه کار رشته تاریخ هم باید بداند که نمینی شارح تاریخ یمینی است نه ناشر آن نمینی که در ۱۱۷۳ ق در گذشته و کتاب او به نام الفتح الوهبی در دو جلد ۱۲۸۶ ق در قاهره چاپ شده است:

The dynasty is known only by occasional references, chiefly in 'Utbi, Arabic text edited by Manini, Cairo, 1286/1869

#### دخل و تصرف در حواشی:

صفحه ۶۵: «المسالک و الممالک = صورة الارض، تألیف ابوالقاسم بن حوقل نصیبی صفحه ۲۹۵. متن انگلیسی: ابن حوقل، صفحات ۳۲۲-۳۲۳.

در همین صفحه از مقدسی و احسن التقاسیم او در چاپ حاضر خبری نیست. در متن انگلیسی به این منبع هم اشاره شده است.

در همین صفحه: «زین الاخبار (تاریخ گردیزی)، تألیف ابوسعید ... (به کوشش محمدناظم، برلین، ۱۹۲۸) ص ۴۸، ۷۴-۵۶. در متن انگلیسی فقط آمده: گردیزی، چاپ ناظم، صفحات ۴۸، ۵۶، ۷۴.

صفحه ۶۶: «قابوسنامه (نصیحت نامه)، تألیف کیکاوس

بزرگان و رؤسا (Mihtar) Chiefs آمده و میرحسین شاه نیز آن را بزرگان ترجمه کرده است. همچنین «شهر بست» در متن انگلیسی نیامده در آنجا آمده گوزگان با شهریار (یا حاکم) بست مرز مشترك داشت:

Our author assigns to the rulers of Gúzgán the first place among the vassal princes (mulúk-i atráf) of the Sámánid kingdom, not only for their political importance, but also for their "love of science". At that time the sway of the prince of Gúzgán reached to the north as far as the Amú-daryá and to the south was recognized by all the chiefs (mihtar) of the mountain provinces of Gharchistán and Ghúr. A part of Gharchistán was called "Gharchistán of Gúzgán" and was administered directly by the prince of Gúzgán, whose frontier towns were those of Tálaqán, on the site of Qal'a-Wali,<sup>5</sup> and Rabát-i Karván on the upper Harirúd.<sup>6</sup> On the upper Murgháb Gúzgán had a common frontier with that of the prince of Bust (on the Himand). It may be concluded therefrom that nearly the whole of the province of Ghúr owed allegiance to the prince of Bust.

صفحه ۹ و ۱۰: «تاریخ علم جغرافیای جهان اسلام (کذا) هنوز بدرستی تحقیق نشده است. در کتاب دایرة المعارف اسلام که در انتخاب کلمات اتفاق نظر ندارد، (رجوع کنید به «ادب الجبر») و در مباحثی مانند Astrology (علم احکام نجوم، طالع شناسی) و Astronomy (هیئت، ستاره شناسی) میل داشتیم مطالبی درباره علم جغرافیا بیابیم زیرا واژه جغرافیا (Geography) را نتوانستیم پیدا کنیم.»

متن انگلیسی: درباره تاریخ علوم جغرافیایی عرب تاکنون تحقیق کافی نشده است. در دایرة المعارف اسلام که روش معینی در انتخاب مدخل ندارد (رجوع کنید به: ادب الجبر از یک سوی، و از سوی دیگر به Astrology و Astronomy) انتظار داشتیم اطلاعاتی درباره این موضوع بیابیم، زیرا ذیل DJaghráfiyá یا Geography در این باب مطلبی نیافتیم. خوب بود به جای اطلاعاتی غالباً بی فایده که مصححان

بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر ... ص ۹۰، ۲۲۵-۲۵۹.  
متن انگلیسی: قابوسنامه، چاپ سعید نفیسی، تهران،  
۱۳۱۲ ش، صفحه ۹۰.

صفحه ۶۶: «جامع التواریخ»، تألیف رشیدالدین فضل الله  
(به کوشش مارك اتین کاترمر، پاریس، ۱۸۳۶).

متن انگلیسی: رشیدالدین، جامع التواریخ (بخشی که در  
ترجمه جرفادقانی از کتاب عتبی آمده و تومانسکی مقاله خود  
صفحات ۱۲۸-۱۲۹ را از آن گرفته است).

جمله داخل () در چاپ اخیر تهران اصلاً حذف شده است!

Ibn Hauqal, pp. 322-3; Muqaddasi, p. 295; Gardizi,  
ed M. Názim, pp. 48, 56, 74; Bayhaqi, ed. Morley, p.  
125; Oábús-náma, ch. xxv, ed. Sa'id Nafisi Tehrán I312/  
I933, p.90; 'Aufi, Lubáb al - albab ed. Muhammadkhan  
Qazvini, PP. 25, 294; Ibn al-Athir, ix, p. 69 (383H.),  
I03 (389H.), I59 (40I H.); Rashid al-din, fámi' al-  
tawárikh (the passage reproducing almost verbatim  
Jurbádhaqání's Persian translation of 'Utbi is given in  
Toumansky's article, v.i., pp. I28-9); Münejjim-bashi,  
Sahá'if al-akhbár, ii, p. 210 (translated in Sachau, v.i.).

صفحه ۶۶: «محققان متأخر نیز در آثار خود درباره  
خواندان فریغون، آگاهیهای ارائه داده اند که از میان ایشان  
بویژه باید از مارکوارت، زاخاٹو و زامباور یاد کرد که  
بخصوص نوشته های ارزنده ای درباره مناطق شرقی ایران به  
یادگار گذاشته اند. از میان تحقیقات آنان بویژه این کتابها را  
باید ذکر کرد:

ترکستان نامه، تألیف بارتولد (ترجمه کریم کشاورز،  
۲ ج، تهران، ۱۳۶۶) و همچنین مقدمه حدودالعالم در همین  
پژوهش حاضر به قلم بارتولد [ارجاعات بارتولد و  
مینورسکی به متن روسی و سپس انگلیسی کتاب ترکستان نامه  
در «تعلیقات» و «توضیحات» حدودالعالم است].

ایران شهر، تألیف مارکوارت (ترجمه مریم میراحمدی،  
تهران، ۱۳۷۲).

خواننده گمان می کند که از این چند سطر فقط آنچه میان  
[] آمده از افادات مصححان است. گذشته از آنکه این عبارت  
براستی افاده است و بنده نگارنده با بضاعت مزجاة خود البته  
از معنای آن سردرنیاوردم. هیچ یک از اطلاعات بالا در متن  
انگلیسی وجود ندارد و همه ساخته مصححان دانشمند و  
تاریخنگار و تاریخدان این کتاب است.

متن انگلیسی: درباره فریغونیان، نک: بارتولد،

ترکستان، فهرست؛ و بویژه بارتولد مقدمه [حدودالعالم]  
صفحه ۶: مارکوارت، ایران شهر، صفحه ۸۰.

On the Farighúnids cf. Barthold, Turkestan, index,  
and especially Barthold, preface, p. 6; Marquart,  
Eránsahr, p. 80;

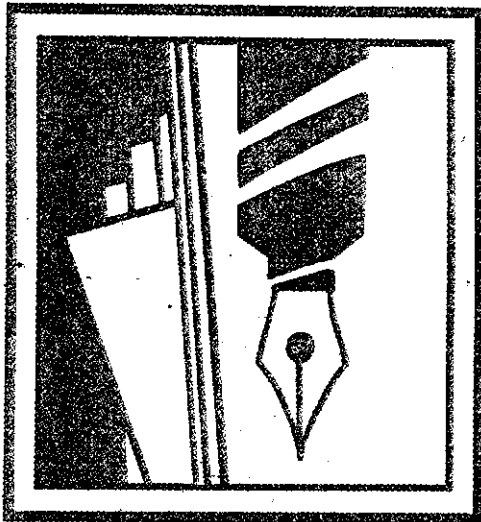
صفحه ۶۷: «... ناصر خسرو در دیوان خودش ... سه بار  
کلمه «فریغون» را ذکر می کند. این مرد به نظر ناصر خسرو  
حاکم ظالمی بوده است ... گفته می شود که این پادشاه نه  
عصر پیش از پیامبر اسلام زندگی می کرد ... و نام او مانند  
یزدگرد، شوم و علامت فال بد بود ... چنین می نماید که  
صورت اصلی کلمه «آفریغ» باید «افریغ» باشد که معادل با  
«افریغ» باشد که معادل با افریغ و پسوند «ون» فارسی است که  
به صورت «افریغون» درمی آید.

متن انگلیسی: ناصر خسرو سه بار در دیوان خود از  
فریغون (Fazhighún) یاد کرده است ... گفته می شود این  
پادشاه نه نسل پیش از پیامبر اسلام می زیسته ... و نام او مانند  
یزدگرد گناهگار در میان ایرانیان به فال بد گرفته می شده  
است ... شکل صحیح این نام (فریغون) به نظر می رسد افریغ  
(آفریغ یا افریغ باشد که فقط صورتاً موازی فریغ است و «ون»  
در آخر آن احتمالاً پسوندی است که وقتی درباره اشکال زبان  
ایرانی خوارزم اطلاعات بیشتری کسب کنیم، روشنتر  
می گردد.

Násir-i Khusrau in his Diván, Tehrán, I307, pp. 329  
18, 355 10, and 474 21 thrice mentions a Fazhighún  
(\*Farighún) referring to some tyrant who may be identi-  
cal with the king of Khwárazm Afrigh quoted in Birúni,  
Chroonology, p. 35 (transl. 4I). This ruler was sup-  
posed to have reigned nine generations before the Proph-  
et Muhammad (cf. note to § 26, 21). and "his name was  
considered a bad omen like that of Yazdagird the Wicked  
with the Persians". This would suit perfectly the use of  
the name in N. Khusrau. The correct form of the name  
seems to be (Afrigh, or Ifrigh) which is only a parallel  
from of Farigh, while the final -ún is probably only a

in favour of this hypothesis one could perhaps cite §9, where the name of the emperor of China's ancestor is spelt Faridhún, not Afridhún. However, the fact is that Afridhún is clearly written in our text, and as a matter of fact numerous Tutanian kings - the emperor of China making no exception - could claim as their eponym Faridhún's son Tút.

بی گمان بررسی همین مختصر - که بقیه کتاب را هم بدان قیاس می توان گرفت - تهوّر مصححان را در اقدام به کاری که البته از عهده آن برنیامده اند، نشان می دهد. تنها می توان گفت مایه تأسف است که این گونه آثار با چنین ترجمه های نادرست و نارسا که نباید و نمی توان بدانها استناد کرد، در دسترس خوانندگان فارسی زبان قرار می گیرد و چه بسا که محققان ایرانی در آثار خود از آن استفاده کنند و به خطاهای فاحش در درك و استنباط و نقل نکات مهم درباره تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام دچار گردند.



suffix, of which the sense will become clearer when we learn more about the former Iranian language of Khwárazm.<sup>2</sup>

صفحه ۶۸: «با توضیحات موجود می توانیم دریابیم که علاوه بر نام اختصاصی ناصر خسرو و بیرونی، واژه «فریغون» در ماوراءالنهر - نامی معمول بوده است و به طور مثال نام یکی از محدثان - که در حدود سال ۴۲۷ق / ۱۰۴۶م زندگی می کرد - فریغون بن محمد الجویقی النسفی بوده است.»

متن انگلیسی: به رغم بیرونی و ناصر خسرو که فریغ و فریغون آورده اند، نام فریغون در ماوراءالنهر معمول بوده، چنانکه محدثی که در حدود ۴۳۸ق / ۷-۱۰۴۶م می زیسته. نام فریغون بن محمد الجویقی النسفی داشته ...

In spite of Birúni and Násir-i-Khusrau's characterization of Farigh/ Farighún, the name Afrighún was popular in Transoxiana: a traditionalist who lived about 438/1046-7 bore the name of

صفحه ۶۹: «حدودالعالم درباره اینکه خاندان فریغون از اولاد «فریدون» است اشاره می کند ... تومانسکی برای تطبیق کلمه فریدون به فریغون ابراز نظر می کند که برای تأیید نظریه او می توان فصل ۹ [حدودالعالم] را نقل کرد. در آنجا نام پادشاهان چین، فریدون است (و نه فریغون). با وجود این، حقیقت آن است که کتاب ما بوضوح نام فریدون را نوشته است و اصولاً پادشاهان مختلف تورانی - که پادشاه چین هم یکی از آنها بوده است - خود را از فرزندان پسر فریدون تور می دانسته اند.»

متن انگلیسی: تنها اشاره ای که در ماخذ ما [حدودالعالم] درباره تبار فریغونیان آمده این است که فریغونیان اصلاً از اولاد فریغون هستند. تومانسکی پیش از این درباره تصحیح فریغون به فریغون پیشنهادی داده و برای تأیید نظر او می توان فصل ۹ [حدودالعالم] را نقل کرد که در آنجا نام نیای امپراتوران چین به شکل فریغون آمده نه فریغون. با این همه فی الواقع در متن ما [از حدودالعالم] آشکارا شکل فریغون نوشته شده و این حقیقتی است که پادشاهان متعدد تورانی - که امپراتور چین جز از ایشان نبوده، مدعی بودند که از فرزندان تور، پسر فریغونند.

The only indication found in our source concerning the origins of the Farighúnids is that they were descended from Afridhún, §23, 46. Toumansky has already made a suggestion for the emendation of into Afrighún, and